

تداوم

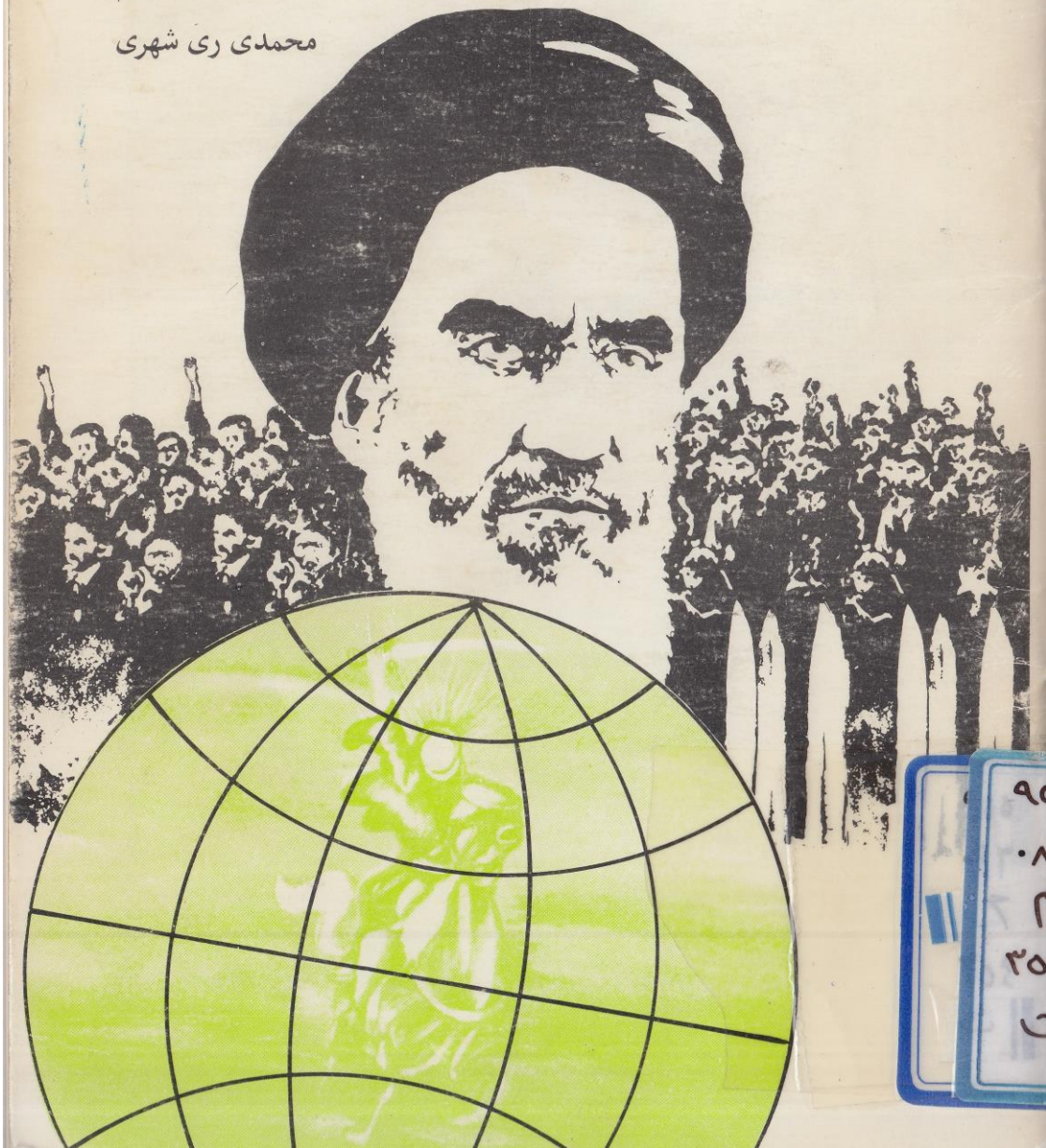
انقلاب اسلامی ایران

تا

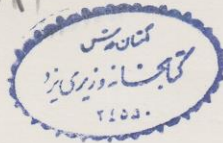
انقلاب جهانی مهدی

علیه السلام

محمدی ری شهری



۳۷۵۳
۹۵۵/۰۸۳
۳۲۵۴



تداوم

انقلاب اسلامی ایران

تا

انقلاب جهانی مهدی علیه السلام

آستان قدس
کتابخانه عمومی وزیری یزد
اتباعی از محل فروش مجمع وزیری
شماره ۲۹۱۳۲ تاریخ ۱۳۹۰/۹/۱۵

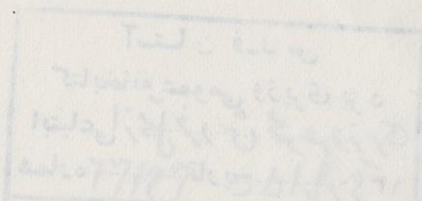
محمدی ری شهری



مجله

نایب‌رئیس‌جمهوری

رئیس‌جمهوری



تداوم انقلاب اسلامی ایران

• تألیف: محمدی ری شهری

• تنظیم صفحات: برآبادی

• ناشر: انتشارات یاسر

• تعداد: ۳۰/۰۰۰ جلد

مردمی از شرق قیام می کنند و زمینه را برای
حکومت جهانی مهدی علیه السلام فراهم
می سازند.

پیامبر اسلام

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

پس از نشر کتاب «تداوم انقلاب» در رابطه با نگارش «میزان الحکمه»^۱ به احادیثی برخوردم که تداوم انقلاب اسلامی ایران را تا انقلاب جهانی حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه و حکومت جهانی اسلام پیشگوئی میکرد.

نخست تصمیم گرفتم این احادیث را با توضیحات فشرده و کوتاهی بعنوان یک فصل جدید در پایان کتاب «تداوم انقلاب» اضافه کنم، ولی بعد بنظر آمد که موضوع احادیث مذکور از موضوع کتاب «تداوم انقلاب» جدا است زیرا کتاب «تداوم انقلاب»، بیانگر قوانین و شرائطی است که با رعایت آن قوانین تداوم انقلاب اسلامی امکان پذیر است، و موضوع این احادیث، پیشگوئی از یک حادثه تاریخی است، لذا بر آن شدم که نوشتار مستقلی در این زمینه فراهم کنم.

کتاب حاضر تبیین و تفسیر چند حدیث است که از دید نگارنده مجموعاً تداوم انقلاب اسلامی ایران را تا انقلاب جهانی مهدی علیه السلام

۱. کتابی است در فنّ نگارش حدیث کاملاً ابتکاری که از سیزده سال پیش تاکنون اکثر فرصتهای اینجانب صرف تألیف آن شده، و امیدوارم که در آینده نزدیک خداوند توفیق تکمیل و نشر آنرا عنایت فرماید.

پیش‌بینی می‌کنند، یعنی همان شعاری که شعور فطری انقلاب آنرا درک کرده است که:

تا انقلاب مهدی، نهضت ادامه دارد

بیاد دارید که قبل از ۲۲ بهمن ۵۷ در کوران انقلاب، آنهنگام که لوله‌های نوپ و تانک و مسلسل‌های دژخیمان شاه سینه مسلمانان انقلابی ایران را نشانه می‌رفت.

آنهنگام که هرروز به آمار شهدای و معلولین انقلاب افزوده می‌شد. آنهنگام که دایه‌های دلسوزتر از مادر امروز، ولیرالهای بی‌خبر از ماهیت انقلابی اسلام که اکنون سنگ آزادی‌خواهی و ملی‌گرایی بر سینه می‌کوبند در گوشه‌خانه‌ها خزیده بودند و رهبر کبیر انقلاب را بی‌سیاست می‌دانستند. و می‌گفتند بامشت بردفش نمی‌شود کوبید، و بادست خالی در برابر مسلسل نمی‌توان ایستاد، همان قانون اساسی آریامهری را بر حکومت اسلام ترجیح میدادند و منطقشان این بود که شاه نرود، بماند ولی سلطنت کند نه حکومت...

دقیقاً در همان موقعیت ملت مسلمان و انقلابی ایران با الهام‌گیری از رهنمودهای رهبر انقلاب به خیابانها می‌ریختند، و با دست خالی و مشتی‌گره کرده در برابر مسلسل فریاد می‌زدند که:
تامرگ شاه‌خائن، نهضت ادامه دارد

و دیدید که همان شد!.

و اکنون

با تمام مشکلاتی که بردوش این ملت ستم‌دیده سنگینی می‌کند، با مشاهده همه توطئه‌های داخلی و خارجی، با ملاحظه این معنی که میدانند آمریکا تصمیم دارد به‌رنحو که شده انقلاب ایران را به انحراف و نابودی بکشد و پس از واقعه طیس و توطئه کودتای نافرجام، و حمله

۲. حتی یکی از روحانیون معروف قم وقتی امام در پاریس بودند نگارنده برای امضاء گرفتن از ایشان در رابطه با یک اعلامیه بحضورشان رسید، می‌فرمود «جملاتی باین مضمون که» آقای خمینی را به اجتهاد و عدالت قبول دارم ولی سیاستمدار نیست و چون مسأله دماء مطرح است از امضاء معذورم!

مزدورش صدام به ایران که تماماً به شکست انجامید بازهم دست بردار نیست و توطئه‌های دیگری پشت پرده دارد، و با اینکه می‌بینند مدعیان سیاست و کیاست می‌گویند مملکت به بن‌بست رسیده، و برای خروج از این بن‌بست نقشه‌های خطرناکی که به نابودی جمهوری اسلامی منتهی می‌شود در سر می‌پرورانند...

وبالآخره همان ملت مسلمان دیروز که به خیابان می‌ریخت و در برابر رگبار مسلسل فریاد می‌کشید «تا مرگ شاه‌خائن نهضت ادامه دارد»، امروز هم با مشاهده همه مشکلات و توطئه‌ها در همان خیابانها فریاد می‌کشد که:
تا انقلاب مهدی، نهضت ادامه دارد

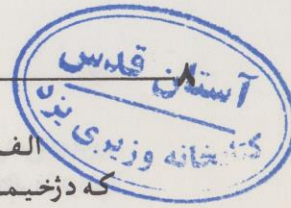
در حقیقت این نوشتار تأکید و تفسیری است بر این شعار که شعور فطری انقلاب اسلامی ایران آنرا درک کرده است، و نویدی است به امت انقلابی و پوینده ایران که این انقلاب زمینه‌ساز ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه و حکومت جهانی اسلام است، و پیامی است برای رزمندگان دلاور و غرورآفرین اسلام که در جبهه نبرد با مزدور استکبار جهانی، صدام می‌جنگند و حماسه می‌آفرینند، تا بر تلاش خود بیفزایند که پیروزی آنها قطعی است، وعده حق فرارسیده که مستضعفین به امامت میرسند و نیکان وارث حکومت زمین خواهند شد، و از فزونی و تجهیزات دشمن بخود بیم راه ندهند که
كَمْ مِنْ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِيْهِ كَثِيْرَةٌ بِاِذْنِ اللّٰهِ

در اینجا ما بایم به دو تَفَالٍ جالب از قرآن کریم اشاره کنیم البته نه بعنوان استدلال بلکه بعنوان دو حادثه‌ای که بهنگام تَفَالٍ قابل پیش‌بینی نبود، و بعدها دقیقاً همانگونه که در تَفَالٍ آمده بود اتفاق افتاد، بویژه تَفَالٍ اوّل.

۳. و نريد أن نمنّ على استضعفوا في الأرض ونجعلهم أئمةً ونجعلهم الوارثين (القصص ۵)

۴. ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون (الانبياء ۱۰۵)

۵. چه بسا گروههای اندکی که باذن خدا برگروههای کثیر غلبه می‌کنند (البقرة ۲۴۹).



الف: یادم هست در جریان پانزده خرداد ۱۳۴۲ پس از فجایعی که دژخیمان شاه مدفون در قم انجام دادند و احتمالاً در خود روز پانزدهم خرداد که هاله‌ای از یأس و وحشت مدرسه‌مارا فرا گرفته بود یکی از برادران طلبه تفألی به قرآن زد که پایان این مبارزات چیست؟، این آیه آمد:

ولا تيا سوا من روح الله
«از روح الله مأیوس نشوید»؟.

«رَوْح» در آیه بمعنای رحمت و عنایت خدا است، و آیه در رابطه با جریان یعقوب و یوسف است که حضرت یعقوب به فرزندانش توصیه می‌کند که در جستجوی یوسف باشند و در این رابطه از رَوْح و رحمت خدا نومید نباشند.

در آن شرائط این تفأل برای ما معنایی جز امیدوار شدن به آینده انقلاب اسلامی ایران به رهبری روح الله ابرمرد تاریخ ایران و اسلام نداشت، و همه دیدیم که پس از پانزده سال چه شد، و یوسف گم گشته به کنعان بازگشت و عزیز مصر ایران گردید.

ب: دوسه شب پس از پیروزی انقلاب، همان شبی که تلویزیون اعلام کرد که به مرکز فرستنده تلویزیون حمله شده و مرتب استمداد می‌طلبید و مردم بویژه آنها که از مرکز دور بودند سخت دچار وحشت شده بودند که در آن شرائط احتمال هرگونه حادثه‌ای که منجر به درگیری داخلی و خارج شدن کنترل کشور از دست انقلابیون میرفت، در آن شرائط من تفألی به قرآن کریم زدم که عاقبت این انقلاب بکجا می‌انجامد؟، آیه جالبی آمد:

وَتَرِيدُ أَنْ تَمَنَّ عَلَى الدِّينِ اسْتَضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ
الْوَارِثِينَ

که دلم آرام گرفت...

البته ممکن است خواننده‌ای این مطالب را مسخره تلقی کند و

باپوزخند از آن رد شود، همانطور که هفده سال قبل در آن شرائط خفقان که امام را تبعید کردند در آن جو خفقان شاهنشاهی اگر کسی می گفت از روح الله مأیوس نشوید که یوسف به کنعان باز میگردد و انقلاب ایران را رهبری می کند و در برابر همه ابرقدرتها می ایستد و فریاد می کشد که آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند، و هیچ غلطی هم نمی تواند بکند! شنونده این سخن نمی توانست آنرا باور کند و مسخره می کرد، ولی دیدید چنین شد، که همه چیز ممکن است، و وعده خداوند تعالی حق است. در پایان مقدمه ذکر دو نکته ضروری است:

الف: همانطور که در «رمز تداوم انقلاب» مشروحاً توضیح داده ام، جامعه و تاریخ هم مانند همه پدیده های هستی دارای ضابطه و قانون است، و قوانین حاکم بر تاریخ ثابت است و تداوم انقلاب اسلامی و اتصال آن به حکومت جهانی اسلام دقیقاً در رابطه با رعایت این قوانین از سوی ائت انقلابی ایران است، بنابراین در این نوشتار ما نمی خواهیم بگوئیم که انقلاب ایران بصورت اعجاز تداوم پیدا می کند، بلکه می خواهیم ادعا کنیم که بخواست خدا و با هوشیاری ائت اسلامی ایران و با قرائن موجود در جامعه، و تأیید تعدادی از روایات اسلامی، قوانینی که در رابطه با این تداوم است رعایت خواهد شد.

ب: نکته دوم اینکه استنباط تداوم انقلاب اسلامی ایران تا حکومت جهانی اسلامی از احادیثی که بعداً ذکر می کنیم، یک استنباط شخصی است و نگارنده هیچگاه ادعا ندارد که این است و جز این نیست که از این روایاتی که خواهد آمد همین که من میگویم و می نویسم استفاده میشود و نه چیز دیگر، بلکه ممکن است دیگری از همین روایات مطلب دیگری استفاده کند، و یا تداوم انقلاب دیگری را استنباط کند آنچه نگارنده مدعی است اینست که با در نظر گرفتن کلیه قرائن موجود از مجموع احادیث آتیه تداوم انقلاب اسلامی ایران تا حکومت جهانی اسلام پیش بینی میشود و باز تاکید می کنم که این یک نظریه و استنباط شخصی است.

یازدهم خرداد یک هزار و سیصد و شصت.

بیست هفتم رجب یک هزار و چهارصد و یک.

أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيْبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارَسِ

(رسول الله صلى الله عليه وآله)

وفادارترین ملتھا
به اسلام

در رابطه با تداوم انقلاب اسلامی ایران و پیوند آن با انقلاب جهانی ولی عصر صلوات الله علیه و اینکه انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی اسلام است، نخست توجه باین نکته ضروری است که ملت ایران از دیر باز مورد توجه و اثره پیامبر اسلام و امامان شیعه بوده اند، و در احادیث بسیاری اسلام ایرانیان با اهمیت تلقی گردیده و از ملت ایران بعنوان وفادارترین ملتها به اسلام یاد شده است. جالب توجه اینجاست که بسیاری از این احادیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله صادر شده و قبل از آن بوده است که ایرانیان اسلام را پذیرفته باشند.

اینک به قسمتی از این احادیث^۱ توجه فرمائید:

۱. پیش از نقل احادیث توجه باین نکته ضروری است که در احادیث اسلامی از ایرانیان گاه تعبیر به «فرس» یا «فارس» شده، و گاه تعبیر به «موالی» و گاه تعبیر به عجم (هرچند لفظ عجم به مطلق غیر عرب گفته میشود) و گاه تعبیر شده است به «اهل عراق».

نصیب ایرانیان از اسلام

از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله نقل شده است که فرموده:

أَعْظَمُ النَّاسِ نَصِيبًا فِي الْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارَسَ

«نصیب و بهره ایرانیان در اسلام از همه ملت‌های دیگر، بزرگتر است»^۲.

در حدیث دیگری از آنحضرت نقل شده است:

أَسْعَدُ الْعَجَمِ بِالْإِسْلَامِ أَهْلُ فَارَسَ

«سعادتمندترین عجم‌ها به اسلام ایرانیان هستند»^۳.

ایرانیان و ایمان

در حدیث از پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله آمده:

لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَّرْيَا لَتَنَالَهُ الْعَرَبُ لَنَالَهُ رِجَالُ مِنْ فَارَسَ

«اگر «گوهر» ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد که عرب به آن دست نیابد، هر آینه مردانی از ایران به آن دست می‌یابند»^۴

در حدیث دیگری از آنحضرت نقل شده است:

لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرْيَا لَتَنَالَهُ أَهْلُ فَارَسَ

«اگر «میه» دین به ستاره ثریا آویخته باشد، حتماً مردمی از فرزندان ایران زمین، آنرا می‌چینند»^۵

۲. کنز العمال تألیف حسام الدین هندی متوفای ۹۷۵ هجری، جلد ۱۲ صفحه ۹۰ حدیث ۳۴۱۲۶.

۳. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۲۵.

۴. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۲۹.

۵. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۰.

در حدیث دیگری پیامبر اسلام به یکی از اصحابش بنام ابویوب که روی تعصب عربیت یکی از ایرانیان را بخاطر اینکه زبانش فارسی است سرزنش می کرد، فرمود:

يَا أَبَا أَيُّوبَ! لَا تَعْبِرْ بِالْفَارِسِيَّةِ، فَلَوْ أَنَّ الدِّينَ مُعَلَّقٌ بِالثَّرِيَّا لَنَأْتَهُ أَبناءُ فَارِسٍ
 «ای ابویوب! او را بخاطر اینکه زبانش فارسی است سرزنش مکن که اگر دین به ستاره ثریا آویخته باشد فرزندان فارس و ایران به آن دست خواهند یافت»^۶

رؤیای پیامبر اسلام در رابطه با اسلام ایرانیان

در حدیث دیگری نقل شده است که روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به اصحاب فرمود «در عالم رؤیا دیدم که گوسفندان سفید انبوهی وارد انبوه گوسفندان سیاهی شدند. اصحاب گفتند: یا رسول الله این خواب را چگونه تعبیر نمودی؟»

فرمود: عَجَمٌ درآئین و درنَسَب شریک شما می شوند»
 یعنی هم به دین شما ایمان خواهند آورد و هم باشما ازدواج خواهند کرد و خونهاشان باخون شما مخلوط خواهد شد، سپس ادامه داد:

لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَّا لَنَأْتَهُ رِجَالٌ مِنَ الْعَجَمِ وَأَسْعَدُهُمْ بِهِ الْفَارِسُ

۶. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۳ / مرحوم محدث قمی در سفینه البحار از حاکم در کتاب مستدرک همین حدیث را نقل کرده و در این نقل پس از اینکه پیامبر از اسلام آوردن ایرانیان پیشگوئی می نماید اصحاب با کمال تعجب می پرسند: یا رسول الله عجم دین اسلام را خواهد پذیرفت؟! حضرت پاسخ می دهد: آری اگر ایمان به ثریا آویخته باشد، مردانی از عجم بدان دست خواهند یازید (سفینه ماده عجم).

«اگر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد مردانی از عجم به آن دست می‌یابند و سعادتمندترین عجمها به ایمان فارس است»^۷

در سوره محمد آیه ۳۸ چنین آمده:

وَإِنْ تَوَلَّوْا يَسْتَبِدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

این آیه خطاب به ملت عرب است آنها که قرآن در میان آنها و به زبان آنها نازل شد، خدای تعالی بآنها هشدار میدهد که اگر از اسلام قدردانی نکنید مردمی دیگر از آن قدردانی خواهند نمود که آنان در پذیرش اسلام و گسترش دادن آن مانند شما ضعیف و ناتوان نیستند.

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان از ابوهریره نقل می‌کند که عده‌ای از اصحاب پیامبر اسلام پرسیدند که این مردمی که در این آیه از آنها یاد شده که از عرب در جذب شدن به اسلام قوی‌ترند کیانند؟.

سلمان کنار پیامبر بود، حضرت با دست به ران سلمان زد و فرمود: مقصود آیه «او و قوم اوست» قسم بآنکه جانم در دست قدرت اوست اگر ایمان به ستاره ثریا آویخته باشد مردانی از ایران به آن دست می‌یابند»^۸

امام صادق علیه السلام نیز در ذیل آیه مذکور می‌فرماید:

إِنْ تَوَلَّوْا يَأْمُرُ الْعَرَبُ بِسَبْدِكُمْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ يَغْنِي الْمَوَالِي

«ای ملت عرب اگر پشت به اسلام کنید خداوند بجای شما ملت دیگری پیرو اسلام قرار می‌دهد یعنی ایرانیان را»^۹

۷. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۴.

۸. مجمع البیان جلد ۹ صفحه ۱۰۸.

۹. مجمع البیان جلد ۹ صفحه ۱۰۸.

در تبیین آیه شریفه ذیل:

وَلَوْزَلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ

«اگر قرآن را به زبان عجم نازل می کردیم، وبا این زبان برعرب آنرا می خواند، عرب به آن ایمان نمی آورد»

امام صادق علیه السلام می فرماید: «اگر قرآن را برعجم نازل کرده بودیم عرب بآن ایمان نمی آورد ولی برعرب نازل شد و عجم بآن ایمان آورد و این فضیلتی است برای عجم»^{۱۰}

ایرانیان و علم

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله طبق نقل فرموده:

لَوْ كَانَ الْعِلْمُ بِالثَّرَيَا لَتَنَاقَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ

«اگر دانش و علم به ستاره ثریا آویخته باشد هرآینه مردانی از ایران زمین بآن دست خواهند یازید»^{۱۱}

خدمات ایران به اسلام

همانطور که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله پیش بینی نموده بود ملت ایران از همه ملتها — حتی ملت عرب که مرکز نزول وحی بود — از اسلام بیشتر بهره گرفت، و هیچ ملتی باندازه مردم ایران تاکنون از منبع روشنائی بخش وحی پرتو نگرفته است.

۱۰. تفسیر المیزان جلد ۱۵ ص ۳۶۲ بنقل از تفسیر قمی.

۱۱. کنز العمال جلد ۱۲ حدیث ۳۴۱۳۱.

با همه مشکلاتی که در قرون اولیه اسلام در راه شناخت فرهنگ اصیل اسلامی بود تا که آنجا که ایمان و دین و دانش به گفته پیامبر اسلام گویا به ستاره ثریا آویخته و دست یازیدن بآن سخت دشوار می نمود، ایرانیان بآن دست یافتند، و در رشته های مختلف علوم مانند قرائت، تفسیر، حدیث، ادبیات فقه، کلام فلسفه، عرفان که در رابطه با شناخت اسلام و تبیین ایدئولوژی اسلامی بکار گرفته میشود از اعراب سبقت گرفتند، و بالأخره همانطور که قرآن کریم پیش بینی نموده بود، در رابطه با گسترش ایدئولوژی اصیل اسلامی جایگزین ملّتی شدند که وحی در آن نازل شده بود، بگفته استاد شهید علامه مطهری:

«ایرانیان بیش از هر ملت دیگر نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و بیش از هر ملت دیگر در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند، در این دو جهت هیچ ملّتی به پای ایرانیان نمی رسد، حتی خود ملّت عرب که دین اسلام در میان آنها ظهور کرد... راجع به خدمات ایرانیان به اسلام زیاد سخن گفته میشود، ولی کمتر باین نکته توجه میشود که ایرانیان شاهکارهای خود را در راه خدمت به اسلام به وجود آوردند، و جز نیروی عشق و ایمان نیروی دیگری قادر نیست شاهکار خلق کند...»^{۱۲}

در اینجا تشریح خدمات ایران به اسلام ما را از موضوع این کتاب خارج می کند لذا خوانندگان می توانند برای این منظور به کتاب خدمات متقابل بخش سوم مراجعه نمایند.

لَيُضِرَّ بَنَتُكُمْ عَلَى الدِّينِ عَوْدًا كَمَا ضَرَّ بَنُوهُمْ عَلَيْهِ
بَدْوًا

رسول الله صلى الله عليه وآله

درآینده تاریخ
ایرانیان اعراب رابه اسلام
دعوت می کنند!

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله زمینه نفوذ و گسترش اسلام را در ایران کاملاً آماده می‌دید، و براساس وحی الهی دقیقاً می‌دانست که در آینده نزدیک ایرانیان مسلمان میشوند، او می‌دانست که تنها سدی که مانع می‌شود آب حیات و حرکت آفرین اسلام به کویر سوزان ایران برسد و استعداد های نهفته را در این ملت شکوفا سازد، رژیم حاکم بر ایران است، و با فرو ریختن این سد و ساقط کردن این رژیم می‌که فاقد پشتوانه ملی است ایرانیان با آغوش باز اسلام را خواهند پذیرفت، و آینده تاریخ این معنی را ثابت کرد.

اصولاً دلیل سقوط رژیم، ساسانی بدست مسلمین این بود که رژیم حاکم در ایران و ارتش آنروز ایران فاقد پشتوانه ملی بود. «جمعیت آنروز ایران را در حدود ۱۴۰ میلیون تخمین زده‌اند که گروه بی‌شماری از آنان سرباز بودند و حال آنکه تمام سربازان

اسلام در جنگ ایران و روم به شصت هزار نفر نمی رسیدند و وضع طوری بود که اگر مثلاً ایرانیان عقب نشینی می کردند این جمعیت در میان مردم ایران گم می شدند... حقیقت این است که مهمترین عامل شکست حکومت ساسانی را باید ناراضی بودن ایرانیان از وضع دولت و آئین و رسوم اجحاف آمیز آن زمان دانست.

این نکته از نظر مورخین شرقی و غربی مسلم است که رژیم حکومت و اوضاع اجتماعی و دینی آنروز بقدری فاسد و خراب بود که تقریباً همه مردم از آن ناراضی بودند...»^۱

پس از شکستن سد رژیم ساسانی توسط مسلمین ایرانیان با آغوش باز اسلام را پذیرفتند.

آقای دکتر صاحب الزمانی در کتاب دیباچه ای بر رهبری می گویند:

«توده های مردم نه تنها در خود در برابر جاذبه جهان بینی و ایدئولوژی ضد تبعیض طبقاتی اسلام مقاومتی احساس نمی کردند، بلکه درست در آستان آن همان چیزی را می یافتند که قرن ها به بهای اشک و خون خریدار و جان نثار و مشتاق آن بودند و عطش آنرا از قرن ها در خود احساس می کردند...»^۲

امام صادق علیه السلام در رابطه با ارزش اسلام ایرانیان چنین می فرماید:

«آن کس که اسلام را از روی رغبت و میل پذیرفته است بهتر است از آنکه اسلام را از روی ترس پذیرفته، منافقین عرب از روی ترس اسلام را پذیرفته اند ولی ایرانیان به میل و رغبت خود

۱. خدمات متقابل صفحه ۹۷، ۹۸.

۲. خدمات متقابل صفحه ۱۰۱.

اسلام را پذیرا گشته اند»^۳

اگر ایرانیان آنروز می خواستند مقاومت کنند، و اگر ارتش آنروز ایران پشـتوانه ملی داشت امکان نداشت که اعراب با آن نیروی اندک بر مجهزترین ارتشهای آنروز جهان که ارتش ایران بود آنهم با آن سادگی و درهمان حمله نخست پیروز شوند، این واقعیت نشان می دهد که جنگ قادسیه، جنگ عرب و ایرانی نبود، بلکه جنگ اسلام با رژیم ایران بود نه با ملت ایران، دقیقاً درست به عکس جنگ فعلی ایران با رژیم حاکم برعراق، که جنگ ملت اسلامی ایران با رژیم حاکم برعراق است، نه با ملت عراق.

صدام آمریکائی که نام این جنگ را هم جنگ «قادسیه صدام» نهاده، و به خیال خام خود— که بوسیله اربابان آمریکائی و مزدوران فراری شاه بوی تزریق شده بود— فکر می کرد مانند جنگ قادسیه در صدر اسلام، ارتش ایران بدون هیچ مقاومتی درهمان روزهای نخست جنگ تسلیم میگردد و او خوزستان و غرب ایران را از ایران برای اربابانش جدا می کند و درهمان لحظات اول جنگ مردم برعلیه رژیم جمهوری اسلامی می شورند و آنرا ساقط می کنند. بیچاره آنوقت نمی توانست بفهمد که جنگ قادسیه، جنگ عرب با غیرعرب نبود، عامل شکست رژیم ساسانی این نبود که اعراب به آنها حمله کرده اند، و به سخن دیگر پیروزی جنگ قادسیه دلیل و عامل ملی و تژادی نداشت بلکه علت عقیدتی و ایدئولوژیکی داشت، علت این بود که اسلام با رژیم کفر می جنگید.

ولی دراین جنگ مسأله به عکس جنگ قادسیه است، اکنون اسلام در ایران حاکم است، ملت پشـتوانه رژیم حاکم

برایران‌اند، و اصولاً ملت و دولت بهم آمیخته، اکنون رژیم صدام با ارتشی می‌جنگد که پشتوانه ملی دارد، و به تعبیر دقیقتر، اکنون رژیم بغداد با اسلام و با ملت مسلمان ایران می‌جنگد، و آنروز اسلام با رژیم ایران می‌جنگد.

این است که همه حسابهای رژیم آمریکائی بغداد غلط از آب درآمد و اکنون پس از ۹ ماه جنگیدن نه تنها به کمترین هدفهای خود نائل نیامده بلکه این رژیم فاسد، خود به سقوط نزدیک شده و شکست او براساس سنت آفرینش بخواست خدای تعالی قطعی است.

و پیروزی ایران در این جنگ تحقق وعده الهی و بنظر نگارنده تحقق یافتن طلیعه پیشگوئی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله است که در آن پیشگوئی هم جنگ قادیسیه و شکست رژیم ساسانی بدست مسلمین پیش بینی شده که اندکی پس از پیامبر اسلام تحقق یافت، و هم حادثه تاریخی دیگری که پس از چهارده قرن بوقوع می‌پیوندد که ایرانیان حکومتهای مرتجع عرب را ساقط می‌کنند و ملت عرب را به اسلام اصیل و حکومت واقعی اسلامی دعوت می‌نمایند.

اینکه به متن این حدیث توجه فرمائید:

منهال بن عمر میگوید: از مردی شنیدم^۴ که گفت در مسجد بودم و امام علی علیه السلام بر منبری از آجر برای ما سخن می‌گفت، پشت سرم صعصعه بن صوحان بود، مردی آمد و آهسته چیزی به امام گفت که دیدیم آثار خشم در صورتش پدیدار شد و سکوت کرد، در اینجا اشعث بن قیس برای اینکه خود را به امام برساند از سروکله مردم بالا می‌رفت تا بالاخره نزدیک منبر رسید و گفت:

یا امیرالمؤمنین این سرخرو یان «یعنی ایرانیان» جلوی روی تو بر ما غلبه کرده اند و تو جلوی اینها را نمی گیری!.

راوی میگوید: که صعصعه با شنیدن این سخن با دست به پشت اشعث زد و گفت: «انالله وانا الیه راجعون» امروز علی در رابطه با عَرَب مطالبی بیان می کند که تا کنون کتمان می نمود.

امام در حالیکه از سخنان اشعث «که از تعصب ملی و نژادی او منشأ می گرفت» سخت عصبانی و برافروخته بود شروع به سخن کرد و فرمود:

«... این شکم گنده ها خودشان روزها در بستر نرم استراحت می کنند و آنها (ایرانیان) روزهای گرم بخاطر خدا فعالیت می نمایند و آنگاه از من می خواهند که آنها را طرد کنم تا از ستمکاران باشم، قسم به خدا که دانه را شکافت و آدمی را آفرید که از محمد درود براو شنیدم که می فرمود:

وَاللّٰهُ يَضْرِبُكُمْ عَلَى الدِّينِ عَوْدًا كَمَا ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَيْهِ بَدْءًا

«بخدا قسم همچنانکه در آغاز شما رژیم حاکم بر ایران را ساقط خواهید کرد، در آینده تاریخ، ایرانیان نیز رژیم حاکم بر شما را ساقط خواهند نمود»^۴

در حدیث دیگری امام صادق علیه السلام از پدرش نقل می کند که پدرم از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل نمود که رسول الله در رابطه با ایرانیان فرمود:

«ضَرَبْتُمُوهُمْ عَلَى تَنْزِيلِهِ وَلَا تَنْقُضِي الدُّنْيَا حَتَّى يَضْرِبُوكُمْ عَلَى تَأْوِيلِهِ»

۴. این مرد ممکن است عباد بن عبدالله اسدی باشد که در سلسله سند ابی لیلی و بزّاز واقع میشود «نهج السعادة ج ۲ ص ۷۰۳».

۵. نهج السعادة جلد ۲ صفحه ۷۰۳/ همین محتوا در حدیث ۱۱۷۷۲ کنز العمال و در سفینه البحار ماده «ولی» از کتاب الفارات نقل شده است.

«شما با ایرانیان براساس تنزیل وحی و قرآن می جنگید، و جهان به پایان نمی رسد تا روزی که آنان با شما براساس تأویل وحی می جنگند»^۶

ظاهراً منظور از «تنزیل» و «تأویل» در جمله فوق اینست که در صدر اسلام که مسلمانان با رژیم حاکم بر ایران می جنگیدند، جنگ اسلام با کفر بود، و جنگ ایران اسلامی با رژیمهای مرتجع عرب جنگ اسلام با نفاق است، چنانچه در متون اسلامی جنگهای امام علی علیه السلام پس از پیامبر، جنگ براساس تأویل قرآن قلمداد شده است «دقت بفرمائید».

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ

رسول الله صلى الله عليه وآله

انقلاب ایران

زمینه ساز

حکومت جهانی اسلام است

از دیدگاه قرآن کریم درعین اینکه تاریخ، جریان پیوسته‌ای است که در مجموع بسوی کمال در حرکت است، در رابطه با سرنوشت تاریخ و نظام حاکم بر جامعه، نقش اصلی با انسان است. به سخن دیگر، تاریخ سرنوشت انسان را تعیین نمی‌کند، بلکه انسان تعیین‌کننده سرنوشت جامعه و تاریخ است. اگر جامعه بشر تاکنون اسیر ابناء نوع خود بوده، دقیقاً علتش این بوده که خود تن باسارت داده که خداوند او را آزاد آفریده بود.^۱ و اگر تاکنون گرفتار فقر، و بدبختی و تبعیض و ظلم و محرومیت بوده، نیز خود نقش عمده را در این مصائب و ناکامی‌ها داشته که:

۱. امام علی علیه السلام در حدیثی می‌فرماید: هان ای مردم! بدرستی که آدم برده و کنیز فرزند نیاورده، و مردم همگی آزادند (نهج السعادة جلد ۱ صفحه ۱۸۹).

مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ ۚ

و اگر روزی همه بندها را بگسلد و به همه ناکامی ها پایان دهد باز نقش اصلی را انسان خود ایفا نموده است که:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرَ أَمَامَهُمْ أَنْفُسَهُمْ (رعد ۱۱).

«خداوند سرنوشت هیچ جامعه ای را تغییر نمی دهد تا آنکه خودشان در خود تغییر ایجاد کنند».

بهمین دلیل هیچ پیامبری با اعجاز رزیم حاکم بر جامعه خود را تغییر نداد بلکه همه انبیاء دقیقاً از طریق طبیعی و مجرای تکوینی و مبارزات پی گیر، نظام ایده آل خود را پی ریزی می نمودند. اگر در نظام هستی تغییر نظام حاکم با اعجاز امکان داشت انبیاء الهی آنهمه رنج و مصیبت تحمل نمی کردند، و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در غار حرا می نشست و با اعجاز نظام الهی را در جامعه پیاده می کرد، و امام علی علیه السلام با معجزه به جنگ معاویه می رفت و....

ولذا امام براساس سنت آفرینش و نظام حاکم بر تاریخ پیروزی ارتش معاویه را پیش بینی می کرد و خطاب به یاران سست عنصر خود می فرمود:

أَمَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَيَبْظُھَرَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ عَلَيْكُمْ، لَيْسَ لَانْتَهُمُ أُولَىٰ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لِإِسْرَاعِهِمْ إِلَيَّ بِأُطْلِهِمْ وَإِطْأَانِكُمْ عَنْ حَقِّي.

«آگاه باشید که اینان «طرفداران معاویه» بر شما پیروز می شوند ولی نه بخاطر اینکه حق با آنها است، بلکه بخاطر اینکه آنها در راه رهبری باطل خود سخت کوشند، و شما در طریق رهبری حق کندوسست»^۳

۲. آنچه مصیبت به شما رسد خودتان عامل آن هستید (شورا: ۳۰) نگاه کنید به فصل سوم از کتاب عدل در جهان بینی توحید نوشته اینجانب.

۳. شرح ابن ابی الحدید جلد ۷ صفحه ۷۰.

البته همراه با تلاش گستردهٔ پیامبران و رهروان حق، امدادهای غیبی و عنایات بی شماری در مقطع‌های حساس مبارزات آنها را یاری می نمود و بگفتهٔ علامه شهید استاد صدر:

«علی‌وغم آنکه خدا قادر بود همهٔ مشکلات موجود در مسیر پیروزی رسالت را از بین برده و از راه اعجاز موقعیت و زمینهٔ مناسبی جهت اجراء رسالت خود پدید آورد لکن در زمینهٔ اجرائی رسالت آسمانی نخواست از روش اعجاز استفاده نماید چه آنکه اصل نیازمندی انسان در مسیر تکاملی خود به امتحان و درگیری با مشکلات مقرر میدارد که انقلاب تحوّل بخش الهی از جنبهٔ اجرائی سیر طبیعی داشته باشد.

البته این حقیقت با دخالت مستقیم خدا در لحظات حساس تاریخ اولیاء خدا منافات ندارد، لحظات حساسی که کلیهٔ زمینه‌ها و اوضاع و احوال خارجی برای پیروزی انقلاب و اجراء رسالت آسمانی فراهم است جز آنکه به یک امداد غیبی و محرک نهائی نیاز دارد تا انقلاب توحیدی در مسیر تکاملی خود پیشرفته و متوقف نگردد.

کلیهٔ عنایات و امدادهای غیبی خدا در لحظه‌های حساس تاریخ جهت حمایت اولیاء و پیروزی رسالت آسمانی چنین است، در لحظهٔ حساس زندگی حضرت ابراهیم آتش فروزان نمرودی برای او گلستان و سرد و سلامت گردید، یا آنکه دست یهودی خائن و تجاوز کار که می خواست شمشیر را برفرق پیامبر زند و بزندگی او پایان دهد در طی یک معجزه‌ای یکباره فلج گشته و قدرت حرکت را از کف داد، یا در جنگ

خندق بادتندی خیمه‌های کافران و مشرکان را که در اطراف مدینه حلقه زده بودند، آنچنان بحرکت درآورد که ترس و وحشت برآنان چیره شده و قلبشان به تپش افتاد، و کلیه امدادهای غیبی دیگر همه و همه هنگامی انجام می‌شد که تنها پیروزی رسالت در آن لحظه حساس به چنین کمک جزئی و امداد غیبی نیاز داشت»^۴

بنابراین ما انکار نمی‌کنیم در موارد حساس امدادهای غیبی به یاری پویندگان راه حق و رزمندگان راه خدا و اسلام می‌شتابد چنانکه در این دوسالی که از انقلاب اسلامی ایران می‌گذرد و در این نه‌ماهی که ارتش اسلام با صدامیان مزدور می‌جنگد آنقدر عنایات الهی و امدادهای غیبی دیده‌اید و دیده‌ایم که نیاز به تالیف کتابی جداگانه دارد، آنچه ما در صدد اثبات آن هستیم اینست که روش کلی و اصولی در مبارزات انبیاء الهی همان روش طبیعی است.

روش طبیعی پدیده انقلاب در هر جامعه، ایجاد زمینه مناسب انقلاب است و انقلاب بدون ایجاد زمینه مناسب امکان‌پذیر نیست.

زمینه مناسب انقلاب از دو طریق تحقق می‌یابد.

۱- از طریق هواداران ایدئولوژی انقلاب.

۲- از طریق مخالفین ایدئولوژی انقلاب.

در رابطه با طریق نخست، تبلیغ گسترده و همه‌جانبه ایدئولوژی انقلاب زمینه را برای دگرگونی بنیادی جامعه بسوی هدفهای انقلاب، و سازمان‌دهی به حکومتی انقلابی فراهم می‌سازد. و در این رابطه هرچه ایدئولوژی انقلاب با فطرت انسان و

۴. سخنی پیرامون مهدی، اثر علامه شهید سید محمد باقر صدر.

نیازهای واقعی او موافق‌تر باشد، هواداران انقلاب موفق‌ترند، زیرا بهتر می‌توانند توده‌های مردم را جذب و آنها را بر علیه نظام حاکم بسیج نمایند.

حقیقت اینست که تنها ایدئولوژی که صددرصد منطبق با نیازهای واقعی انسان است، و شامل کلیه اصول تکامل اوست، ایدئولوژی اسلام است.^۵

هر انقلابی که درجهان تحقق یافته با جزئی از ایدئولوژی این آئین آسمانی که همه پیامبران الهی آنرا تبلیغ می‌نموده‌اند به پیروزی رسیده است.

هدف انقلاب‌هایی که درجهان تحقق یافته آزادی و عدالت بوده، و انقلابیون با این نام توده‌ها را بخود جذب و بر علیه نظام‌های حاکم بسیج می‌نموده‌اند.

«قیاس بین انقلاب روسیه و انقلاب فرانسه از بسیاری لحاظ شایان ملاحظه است، غرض هردو آزادی بود، یکی می‌خواست خود را از قید فئودالیزم برهاند، دیگری می‌خواست خود را از چنگال کاپیتالیزم آزاد کند، هیچکدام دقیقاً یک نهضت ملی نبود که حل اشکالات داخلی را وجههٔ همت خود ساخته باشد در هردو انقلاب روی سخن با عموم آحاد بشر بود قطع نظر از نژاد یا مرام آنها، هردو انقلاب در عموم کشورهای عالم طرفدارانی پیدا کرد»^۶

۵. برای اثبات این حقیقت، کتاب فلسفه وحی نوشتهٔ اینجانب را دقیقاً مطالعه فرمائید.

۶. تاریخ جهان نو، نوشتهٔ رابرت روزول پالمر، جلد دوم صفحه ۳۸۷، ۳۸۸.

آزادی که فلسفه انقلابهای جهانی است یکی از ابتدائی ترین هدفهای اسلام است، اسلام علاوه بر اینکه آزادی را بمفهوم واقعی و گسترده آن و از کلیه بندهای داخلی و خارجی تحقق می دهد کلیه اصولی را که در رابطه با تکامل مادی و معنوی انسان است تأمین می نماید، این اصول بشر را در جریان یک تکامل دائمی و حرکت بسوی تعالی مطلق و خداگونه ای قرار میدهد.^۷

زمینه سازی ضد انقلاب

شاید کمی تعجب آور باشد که عملکرد ضدانقلاب و موضع گیری های او، دوشادوش عملکرد هواداران انقلاب به پیروزی انقلاب کمک می کند و زمینه اجتماعی انقلاب را فراهم می سازد، ولی حقیقت همین است.

نمونه خیلی روشن این واقعیت در انقلاب اسلامی ایران کاملاً مشهود است، در رابطه با پیروزی این انقلاب، سهم عملکرد رژیم شاه در سقوط این رژیم اگر بیشتر از سهم عملکرد هواداران انقلاب نباشد، قطعاً کمتر نیست، اگر رژیم شاه با آن خشونت و قساوت با مردم برخورد نمی کرد و هرخطائی را با خطای بزرگتری جبران نمی نمود، قطعاً زمینه سقوط خود را با آن سرعت فراهم نمی کرد...

۷. برای آشنائی با این اصول نگاه کنید به کتاب «فلسفه وحی» نوشته اینجانب.

بنابراین ضدانقلاب ناخودآگاه تیشه به ریشه خود می زند و زمینه سقوط خود و حکومت انقلابی مستضعفین را فراهم می کند. یکی از رازهای غیبت امام زمان علیه السلام همین است که جامعه بشر درک کند که جز ایدئولوژی اسلام و جز رهبری مکتبی وحی قادر به نجات، و رهایی انسان و قرارداد او در مسیر تکامل که فلسفه آفرینش است، نیست، و تمام مدعیان عدالت و آزادی و نجات و رهایی انسان «در طلبش بیخبراند» و همه دربند خویش اند، و فریب دیگران.

تا همه مدعیان قسط و عدل و آزادی بیایند و حکومت کنند، و مردم به بینند که دروغ می گویند، تا مردم بفهمند که هم مدعیان دمکراسی و آزادی در غرب دروغ می گویند، هم مدعیان قسط و عدالت در شرق، و بفهمند که تنها رهبری الهی می تواند انسان را از بردگی انسان، و انسان را از سلطه انسان رهایی بخشد. در این رابطه روایتی بسیار جالب از امام صادق علیه السلام نقل شده است، امام در رابطه با فلسفه تأخیر تحقق حکومت جهانی اسلام می فرماید:

مَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى لَا يَبْقَى صِنْفٌ مِنَ النَّاسِ إِلَّا قَدْ وَلَّوْا مِنَ النَّاسِ حَتَّى لَا يَقُولَ قَائِلٌ إِنَّا لَوَلَّيْنَا لَعَدَلْنَا، ثُمَّ يَقُومُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَالْعَدْلِ.

«این امر— حکومت خاندان رسالت— تحقق نمی یابد مگر پس از گذشت زمانی که طرفداران انواع مکتبها و ایدئولوژیها بر مردم حکومت کنند، تا هیچ گوینده ای نتواند بگوید که اگر ما بر مردم حکومت می کردیم قسط و عدالت را در جامعه پیاده می نمودیم! سپس حضرت قائم علیه السلام به حق و عدالت قیام می کند»^۸.

انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز حکومت جهانی اسلام است

انقلاب اسلامی ایران هم در رابطه با گسترش دادن ایدئولوژی اسلام و هم در رابطه با تشدید جنایات رژیم‌های ضد مردمی و ضد انقلابی حاکم بر جامعه بشر زمینه‌ساز انقلاب حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی اسلام است.

با پیروزی این انقلاب برای اولین بار پس از چهارده قرن پایگاهی در جهان بوجود آمد که بتواند از اسلام اصیل بطور رسمی و بصورت گسترده و جهانی دفاع کند، و ایدئولوژی رهائی‌بخش و تکامل‌آفرین اسلام را به گوش کلیه توده مستضعف برساند و بآنها نوید پیروزی را با دست خالی براستکبار جهانی که تا دندان مسلح است بدهد.

و در همین رابطه با اینکه انقلاب اسلامی ایران هنوز در گامهای نخستین است، استکبار جهانی چه در شرق و چه در غرب جداً احساس خطر کرده و لذا در خاموش کردن شعله این انقلاب آنها و نوکرانشان را متحد نموده است.

استکبار جهانی برای دفاع از موضع ضد انسانی خود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در قلع و قمع هواداران این انقلاب در نقاط مختلف جهان خشونت و روش‌های ضدانسانیت خود را تشدید نموده و از این پس بر خشونت خود خواهد افزود تا آنجا که جهان احساس خلأ کند، احساس خلأ رهبری الهی که در سطح جهان

مستضعفین را رهبری کند و جامعه انسانی را از بندرثریمهای خودکامه رهائی بخشد، و آنجا است که:

بقیة الله الأعظم، وارث انبیاء الهی از آدم تا خاتم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه که آفریدگار هستی وجودش را برای آنروز ذخیره نموده است قیام می کند و حکومت جهانی اسلام تشکیل می گردد.

در این رابطه حسام الدین هندی که یکی از دانشمندان بزرگ اهل سنت است و در سال ۹۷۱ هجری وفات نموده حدیث جالبی از پیامبر اسلام نقل می کند، آن حدیث اینست:

يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْطَوْنَ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ

«مردمی از شرق قیام می کنند، و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی علیه السلام فراهم می سازند»^۹

تا انقلاب مهدی
حضرت ادامه دارد

وَلَا يَنْدُ فَعَوْنُهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ
الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

تا انقلاب مهدی
نهضت ادامه دارد

تا اینجا باین نتیجه رسیدیم که از دیدگاه روایات اسلامی در
تلقی نگارنده:

الف: ایرانیان وفادارترین ملت‌ها به اسلام اصیل‌اند، و این
معنی را حتی پیش از آنکه ایرانیان مسلمان شوند، پیامبر اسلام طبق
احادیثی که نقل شد پیشگوئی نموده است.

ب: طبق حدیثی که از رسول اکرم صلی الله علیه وآله نقل
کردیم آنحضرت هم از جنگ قادسیه خبر داده و پیش‌بینی نموده که
مسلمین عرب، بخاطر اسلام رژی‌م ساسانی حاکم بر ایران را ساقط
می‌کنند، و هم از جنگ دیگری خبر داده است که درآینده تاریخ
مسلمین ایرانی بخاطر اسلام رژی‌مهای مرتجع عرب را ساقط
می‌کنند، و بنظر نگارنده جنگ فعلی ایران و رژی‌م مزدور صدام
طلیعه این پیروزی است.

ت : انقلاب اسلامی ایران بطور طبیعی زمینه ساز انقلاب جهانی مهدی علیه السلام و حکومت جهانی اسلام است و این معنی با حدیثی که از پیامبر اسلام نقل شده که انقلابی در شرق بوقوع می پیوندد و زمینه را برای حکومت جهانی مهدی علیه السلام مهیا می کند دقیقاً منطبق است.

اکنون با در نظر گرفتن مطالب گذشته حدیثی را نقل می کنیم که از دید نگارنده دقیق ترین حدیثی است که با انقلاب اسلامی ایران انطباق دارد و در آن به تداوم این انقلاب تا انقلاب حضرت مهدی علیه السلام تصریح شده است.

این روایت را علامه نعمانی از دانشمندان و محدثین قرن سوم هجری در کتاب «الغیبة» به سند خود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، او در مقدمه این کتاب متعهد شده است که روایاتی را در این کتاب نقل کند که به صحت آنها اطمینان داشته و از اساتید مورد وثوق خود شنیده باشد.

متن روایت اینست:

.. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُبُوقَهُمْ عَلَى عَوَانِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتَلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوَ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَسْبَقِيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

«امام باقر علیه السلام فرمود: گویا می بینم که مردمی در شرق قیام کرده اند حق را طلب می کنند، ولی — سردمداران حکومت — حق را بآنها نمی دهند، پس از مدتی دوباره حق را می طلبند، این بار نیز — رژیم حاکم — از دادن حق بآنها امتناع می ورزند، ولی در این دفعه وقتی مردم اوضاع را چنین می بینند شمشیرهای خود را برشانه ها می نهند، — سردمداران حکومت که خود در برابر قیام گسترده ملت مشاهده می کنند و تاب مقاومت در خود نمی بینند — تسلیم خواسته های آنان

می گردند، ولی این بار مردم نمی پذیرند— که دیگر خواستار تغییر رژیم هستند— تا بالآخره قیام می کنند— و رژیم حاکم را ساقط می نمایند و حکومتی براساس مبانی اسلامی تشکیل می دهند— و این حکومت را جز به صاحب شما— بقیه الله الأعظم— تحویل نمی دهند، کشته های آنان شهیدند، آگاه باشید که اگر من شخصاً آن زمان را درک کنم، خود را برای صاحب این امر ابقاء می کنم»^۱

تبیین و تفسیر حدیث

در تلقی نگارنده این حدیث یکی از معجزات امام باقر علیه السلام است و در آن از چند امر پیشگوئی شده است:

- ۱ — قیام ملت قهرمان ایران در پانزده خرداد ۱۳۴۲.
- ۲ — قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷.
- ۳ — رژیم در آخرین لحظات جانکندن زندگی ننگین خود اظهار توبه می کند و تسلیم خواسته های مردم می گردد.
- ۴ — مردم جز سرنگونی رژیم هیچ چیز دیگری را نمی پذیرند.
- ۵ — قیام ملت ایران علیه شاه به پیروزی می رسد.
- ۶ — جمهوری اسلامی تحقق پیدا می کند.
- ۷ — این جمهوری تا انقلاب جهانی ولی عصر عجل الله تعالی فرجه تداوم پیدا می کند.
- ۸ — درگیری هایی که برای این رژیم پیش می آید جهاد فی سبیل الله است و کشته های آن شهید محسوب می شوند.
- ۹ — پیروزی انقلاب اسلامی ایران در نزدیکی ظهور حضرت

۱. کتاب الغیبة، صفحه ۱۴۵، ۱۴۶.

مهدی علیه السلام تحقق می یابد.
و اینک تشریح نکات پیشگوئیهای مذکور:
نخست امام می فرماید:
كَانِي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ

این جمله پیشگوئی از تحقق یک قیام اسلامی در شرق در آینده تاریخ است، زیرا امام خبر میدهد که در شرق مردمی با هدف طلب نمودن حق علیه نظام حاکم برخود قیام می کنند، و بدیهی است که میزان و معیار حق نزد امام چیزی جز اسلام نیست.
در این جمله هرچند امام محل وقوع این قیام را «شرق» ذکر می کند و مشخصاً نمی فرماید «ایران» ولی با قرائنی که قبلاً ذکر کردیم و قرائنی در خود این حدیث است مشخص می گردد که منظور از شرق «ایران» است.

فَلَا يُعْطَوْنَ

امام پس از اینکه از تحقق یک قیام اسلامی در شرق پیشگوئی می کند، می فرماید: سردمداران رژیم حاکم از دادن حق به این قومی که برای آن قیام کرده اند امتناع می ورزند.
با در نظر گرفتن مطالبی که امام در جملات بعد می فرماید، این جمله کاملاً منطبق است بر قیام پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ که ملت مسلمان ایران به رهبری امام امت خمینی قیام کرد و در آن موقع مسأله سرنگون کردن رژیم مطرح نبود و زمینه ای هم برای این منظور وجود نداشت، آن موقع هدف این بود که رژیم را وادارند به حق، در ابعاد مختلف آن و به اسلام، تا بمفهوم واقعی آن عمل کند، یادم هست که امام در همان وقت در ابتداء امر در یکی از سخنرانیها خطاب به شاه

می فرمود «من نمی گویم تو نباش، باش ولی نوکر نباش، آقا باش»^۱ و به اسلام عمل کن.

بهرحال رژیم زیر بار نرفت به خواسته های مردم به رهبری امام اعتنا نکرد و با دستگیری امام جریان پانزدهم خرداد ۴۲ را بوجود آورد، و با آن کشتار فجیع توانست لااقل برای مدتی ولو کوتاه نفس ها را در سینه خفه کند و به ظاهر مردم را به سکوت وادارد.

ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ

واژه «ثُمَّ» در ادبیات عرب در رابطه با تأخیر بکار می رود، امام در این جمله می فرماید «ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ» یعنی پس از گذشت مدتی از قیام نخست، دوباره این قوم قیام می کنند که این بار نیز در ابتدا سردمداران رژیم تسلیم خواسته های مردم نمی شوند.

این جمله اشاره به قیام ملت ایران در رابطه با قیام ۲۲ بهمن است که این بار نیز در ابتدا رژیم تسلیم خواسته مردم نشد و تصمیم گرفت با همان روشی که در پانزدهم خرداد چهل و دو پیش گرفته بود این قیام را نیز سرکوب کند، و لذا با قساوت و خشونت کم نظیر ملت را زیر گبار مسلسل های دژخیمان خود گرفت و ده ها هزار نفر را کشت و ده ها هزار نفر را معلول نمود.

فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ

ولی این بار ملت به رهبری امام بر آن شد که دیگر باید این رژیم ساقط شود و جمهوری اسلامی تحقق یابد، با اینکه ملت دست

۱. این روش همه پیامبران الهی است که نخست با ملایمت و نصیحت درصدد ارشاد مخالفین هستند و لذا خداوند به موسی و هارون در رابطه با دعوت فرعون می فرماید «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيْنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى»

خالی بود و رژیم تادندان مسلح، ولی بهرحال با تاییدات الهی و رهبری قاطع امام تصمیم گرفته بود با مشت و چنگ و دندان و چاقو و قمه و شمشیر و باهرچه داشت در برابر رژیم بایستد و جمله فوق اشاره باین مرحله از قیام است.

فَيُعْطُونَ مَا سَأَلُوا

رژیم که تصمیم قطعی ملت را مبنی بر سرنگون نمودن نظام شاهنشاهی دید و خود را درمقابله با ملت ناتوان مشاهده نمود، چاره‌ای جز تسلیم نیافت، اینجا بود که شاه توبه‌نامه خود در رسانه‌های همگانی پخش نمود و قول داد که اشتباهاتش تکرار نشود؛ و آنچه مردم خواسته‌اند از عدالت و آزادی و اسلام به آنها عطا کند!! جمله فوق اشاره به این مرحله از درماندگی رژیم شاه و تسلیم اوست.

فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَتُوبُوا

ملت، فریب گریه تائب و عابد را نمی‌خورد که به رهبری امام زمینه را کاملاً برای سقوط رژیم آماده می‌بیند، و این بار دقیقاً لبه تیز حمله را متوجه رژیم نموده و در ۲۲ بهمن ۵۷ آخرین ضربه را بر پیکر فرسوده و ریشه‌های پوسیده نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی وارد می‌آورد و آنرا ساقط می‌کند، و حکومتی براساس مبانی اسلام تشکیل می‌دهد.

وَلَا يَدْعُوْنَهَا إِلَّا إِلَىٰ صَاحِبِكُمْ

این جمله اشاره به تداوم انقلاب اسلامی تا حکومت جهانی اسلام و ظهور حضرت بقیه‌الله است، زیرا امام می‌فرماید پس از

ساقط شدن رژیم و تشکیل حکومت اسلامی، ملّتی که این قیام را به ثمر رسانده‌اند و این حکومت را تشکیل داده‌اند آنرا جز به صاحب شما یعنی حضرت بقیة الله الاعظم تحویل نمی‌دهند.

قَتْلًا هُمْ شُهَدَاءُ

در این جمله امام پیش‌بینی می‌کند که درگیرهائی که این ملت از بدو قیام تا ظهور امام عصر علیه السلام با مخالفین پیدا می‌کند برای خدا و در راه الله است و بهمین دلیل کشته‌آنان شهید محسوب می‌شوند، شهید واقعی، مانند شهداء صدر اسلام.

أَمَانِي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَا سَبَقْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ.

این جمله دلالت می‌کند که پیروزی انقلاب مذکور در نزدیکیهای ظهور حضرت مهدی و حکومت جهانی اسلام اتفاق می‌افتد که امام می‌فرماید «اگر من آن زمان را درک کنم خود را برای «صاحب این امر» و بقیة الله ابقاء می‌کنم» تا هم‌رزم او در تشکیل حکومت جهانی اسلام باشم.

اللَّهُمَّ أَرِنَا الظُّلُمَةَ الرَّئِيسَةَ وَالْقُرَّةَ الْخَمِيدَةَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَغْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ

پانزدهم شعبان ۱۳۴۱

بیست و هشتم خرداد ۱۳۶۰

۳۷۵۴
ک

قیمت ۳۰ ریال

درس‌هایی از اصول عقائد اسلامی:



- ۱- بهترین راه شناخت خدا.
- ۲- عدل در جهان بینی توحید.
- ۳- فلسفه وحی.
- ۴- فلسفه امامت.

این کتابها مجموعه درس‌هایی است که توسط مؤلف همین کتاب در حوزه علمیه قم بعنوان اصول عقائد برای گروهی از محصلین تدریس شده است. مطالعه آنها را بشما توصیه میکنیم.

سایر آثار مؤلف که منتشر شده است.

- ۱- شهادت.
- ۲- آگاهی و مسئولیت.
- ۳- مناظره.
- ۴- بحث‌هایی درباره خدا.
- ۵- رمز تداوم انقلاب.



تهران. میدان انقلاب. اول خیابان اردیبهشت

روبروی بازارچه کتاب. تلفن ۳۸۵۰۱۱۰

قم. خیابان انقلاب. پاساژ صاحب الزمان